

متن پرسش

سلام. در ادامه سوال و جواب های ۶۱۰۰_حضرت استاد اگر می بینید که هنوز با چند سوال درباره این موضوع و جواب های حضرت عالی بازهم شروع به سوال کردن می کنم یک دلیلش این است که واقعا جواب سوالات را نگرفته ام و هنوز فکر می کنم از برخی مسائل ساده رد می شوم. حضرت استاد ابتدا باید عرض کنم که ما متوجه نگاه کلی شما ذیل دغدغه تمدن سازی شیعه می باشیم ولی در همین کلیت باید عنایت داشته باشید که افرادی می توانند با روش های مخرب و وسیله نادرست این دغدغه و مسیر را به انحراف بکشند شما فرمودید در این کلیت باید نظر به کلیت آقای مصباح داشته باشید. حضرت استاد در این که ایشان دغدغه مورد نظر شما را دارند و به مبانی انقلاب پایبندند شک نمی کنیم ولی باید دید آیا می توان با صرف دغدغه هر روشی را برگزید. آیا می توان برای این که شما به عنوان یک مجتهد و به تشخیص خودتان یک فرد را عامل فاجعه و انحراف در اسلام و انقلاب اسلامی بدانید برای اینکه از شر اوراحت شویم هر تهمتی را بزنیم تا عوام از او دور شوند؟ آیا تمدن اسلامی که مد نظر شما است وسیله ای نیست که رشد اخلاقی در آن هدف است؟ اگر ما در این امور روزمره و جزئی نتوانیم آنچه را اسلام و اخلاق اسلام بر آن حکم می کند را ظاهر کنیم اگر آن تمدن هم شکل بگیرد مطمئنا تمدن اسلامی شیعی مطلوب نیست! حضرت استاد نمی توان برای یک هدف برتر به زعم و نظر یک مجتهد یک نفس پاک مسلمان و شیعه را (حتی کافر و ملحد برای تبیین این موضوع رجوع به فرمایش رهبری من باب موضوع اخلاق و سیاست که به عنوان کلیپ قول سدید مطرح است رجوع کنید) نابود کنیم و او را به بدترین صفات بخوانیم! حضرت استاد جوابی که ما از شما درباره اظهارات آقای مصباح انتظار داشتیم اظهار این مطلب بود و اتفاقا بعد می توانستید جایگاه ایشان را در آن کلیت را هم متذکر شوید. آن موقع بود که ما با جان و دل می پذیرفتیم. ولی شما با اصرار بر روی جایگاه کلی ایشان به کل منکر عملکرد بد ایشان در انتخاب روش و وسیله شدید و آن تمجیدهای نابحق را در مورد ایشان بیان داشتید که خوشبختانه در جواب ۶۱۰۰ کمی تعدیل شد. با عرض پوزش. حضرت استاد شما آن صحبت هایی را که ایشان ابراز داشتند را با خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها شبیه دانستید. آیا نعوذ بالله آن حضرت تهمت می زدند و دروغ می گفتند و واقعیت را دگرگون می کردند یا حقیقت را تبیین می کردند! به نظرم در اینجا به جایگاه خطبه حضرت ظلم شد. نمی خواهم وارد جزئیات جوابیه شما شوم ولی آنجایی که واژه‌ی طلسم را تبیین کردید و شائبه‌ی بدفهمی را مطرح فرمودید می خواهم عرضی را متذکر شوم. و آن این که آیا بهتر نیست واژگان را به نحو صحیح آن به کاربریم. آخر بعد از آن همه سیاه جلوه‌نشان دادن چهره‌ی آقای احمدی نژاد و تمجید و تأیید آقای مصباح و بعد آوردن

واژه‌ی طلسم چه چیزی را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند؟ واگر هم تحت تاثیر قرارگرفتن شدید باشد هم باید دید در مشی و اعتقاد جناب دکتر احمدی نژاد(حفظه الله) چه تغییری ایجاد شده. آیا می توان صرف این که یک شخصی به یکی اعتماد و علاقه دارد و نظرات ایشان را در مواردی پخته‌تر از خودشان می‌داند تکیه کند باید آن را حمل بر طلسم کرد؟ آیا رییس جمهور مملکت حق ندارد به یکی اعتماد کند و دیگران به خاطر بی تقوایی و حسادت خودشان که از این مطلب خشنود نیستند را باید بصیرت و تیزبینی آنان نامید؟ به نظرم در این دیدگاه یک تفکر قیّم‌مآبانه نسبت به دو دولت احمدی نژاد وجود داشت و کسانی می پنداشتند که خودشان احمدی نژاد را روی کار آوردند(وجایگاه مهندسی حضرت بقیه الله (عج)را نادیده گرفتند) و دچار نوعی غرور و کبر شدند و انتظار داشتند که احمدی نژاد با ساز آنها بر قصد که احمدی نژاد نشان داد جز آنچه حق می‌داند انجام نمی‌دهد و اهل سازش و نرمش در برابر مستکبرین داخلی نیست. و متأسفانه آن جبهه که ابتدا خود را حامی ایشان نشان می‌دادند با خنجری که از پشت زدند بیش از ۲ سال فضای رادیکال و تشنج و حاشیه‌سازی در کشور به پا کردند که اگر هرکسی جز احمدی نژاد بود عطای این مسئولیت را به لقایش می بخشید و جا خالی می‌کرد ولی ایشان بود که با معجزه توانست این ۲ سال پایانی را با افتخار به پایان برساند . و آیا این تنهایی احمدی نژاد و مظلومیتش در بین خواص راست و چپ و پایداری این را به شما نشان نمی دهد که برای عدالت باید تاوان داد و احمدی نژاد هم به واقع می دانست و این هزینه را پرداخت که اجرش با حضرت بهار(عج) می باشد و جز او کسی لایق اجرت‌دادن نیست. ببخشید که کمی در پایان عرائض احساساتی شدم و این را حمل بر غمی بدانید که در سینه از این موضوع دارم و درد و دلی با استاد خویش . اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (خداوند انحراف و منحرف را خوب می‌شناسد) و من الله توفیق.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ظاهراً عرایضی که در جواب سؤال شماره‌ی ۶۱۳۶ داشتم را ملاحظه نفرموده‌اید، با این وصف همین‌طور که متوجه شده‌اید در نگاهی که باید به نظام‌سازی و تمدن‌سازی داشت تا از این طریق به‌واقع از ظلمات غلیظ تمدن غربی نجات پیدا کرد، در آن نگاه باید از خود بپرسیم آفاتی که مانع تحقق این هدف بزرگ می‌شود چیست؟ شیعیان ابوسفیان و شیعیان علی «علیه‌السلام» هر دو نماز می‌خواندند ولی شیعیان ابوسفیان با حفظ تمدن جاهلیت و امویان نماز می‌خواندند و اراده‌ای در راستای تحقق نظامی که نسبت‌ها و ارتباطات اجتماعی سیاسی را اسلام تعیین کند نداشتند، ولی شیعیان علی «علیه‌السلام» که متوجه پیام غدیر و نقش تمدن‌سازی آن بودند، مواظب بودند اختلاف‌هایی که امویان مأمور ایجاد آنند تا زمینه‌ی نظام‌سازی اسلامی فراهم نشود، انگیزه‌ی حرکت آن‌ها نگردد، در حدّی که حضرت سیدالشهداء «علیه‌السلام» در روز عاشورا نیز تلاش می‌کنند دوگانگی جبهه‌ای که عبیدالله ایجاد کرده نسبت به جبهه‌ی امام حسین «علیه‌السلام»، تغییر کند. آنچه تأکید بنده است و در زمان آقای احمدی‌نژاد نیز بر آن تأکید می‌کردم آن است که

مواظب باشیم در جبهه‌ای که همه معتقد به نظام‌سازی هستند شکاف و شقاق ایجاد نشود و همواره ریشه‌ی اختلاف‌هایی که بین خودی‌ها هست را از بیرون بدانیم، از دشمنانی که سخن‌ها را از جایگاه خود بیرون می‌آورند و طوری تفسیر می‌کنند که خودشان به نتیجه‌ای که می‌خواهند برسند. نمی‌دانم عین سخنان آیت‌الله مصباح را در مواردی که می‌فرمایند خودتان گوش داده‌اید یا نه؟ بنده خودم گوش داده‌ام و حقیقتاً نظرم آن است که در عین آن که انتقاد می‌کنند ولی احتیاط لازم را هم می‌فرمایند و باز این بدین معنی نیست که بنده در بعضی موارد در روش با ایشان موافق باشم ولی دلواپسی ایشان را از آنچه در دولت دهم پیش آمد را درک می‌کنم که چگونه متوجه شده‌اند چه ضرر بزرگی جهت ادامه‌ی انقلاب به ما خورد. اگر این مسئله روشن می‌شد و اگر مواظب باشیم سخنان ایشان توسط عده‌ای مصادره به مطلوب نشود، شاید سخن بنده که عرض کردم اعتراض ایشان از جنس هوشیاری زهرای مرضیه «سلام‌الله‌علیها» در درک انحراف بود، مورد پذیرش قرار گیرد و نمی‌فرمودید عده‌ای به جهت بی‌تقوایی و حسادتشان از اعتماد آقای احمدی‌نژاد به آقای مشائی خشنود نیستند. می‌فرمائید عده‌ای قیّم‌آبانه انتظار داشتند آقای احمدی‌نژاد به ساز آن‌ها برقصد! چرا نمی‌فرمائید عده‌ای که دلسوز نظام و ارزش‌های آن بودند انتظار داشتند آقای احمدی‌نژاد دولت نهم ادامه پیدا کند؟ چرا به این قسمت فکر نکنیم و علت این تغییر را جستجو نمائیم؟ تمام عرض بنده در این است که ابتدا باید در این موضوع فکر کرد آیا آقای احمدی‌نژاد دولت دهم همان احمدی‌نژاد دولت نهم است؟ اگر نه، علت آن را جستجو کنیم تا ریشه‌ی سوز آیت‌الله مصباح‌ها معلوم شود و اختلاف فوق‌العاده و بی‌دلیلی که در بین نیروهای انقلاب پیش آمده از بین برود و ما در بستر نظام‌سازی مناسب اهداف جمهوری اسلامی قرار گیریم. بیایید به این فکر کنیم که تاریخ جدیدی در شرف ظهور است و با بصیرتی خاص می‌توان در آن وارد شد، در بصیرتی که جایگاه اختلاف بین خودی‌ها معلوم شود که ریشه‌ی بیرونی دارد و ما به عقلی نیاز داریم که بتواند ماوراء این حرف‌ها، وارد آن تاریخ شویم. شما کمی به موضوعی که عرض می‌کنم بنگرید تا شاید از اجمال به تفصیل آییم و راه گشوده شود، راهی بس طولانی و با برکت. موفق باشید